

از سید فضل احمد پیمان
بمناسبت تجلیل از روز جهانی زن

مقام زن

قسم به مرتبت عرش اعتلای تو مادر
تو آن منادی عشقی که بوده در دل شبها
هزار شام به بالین من به صبح رساندی
دل تو مخزن لطف است و گنج عاطفه و مهر
بیا که تازه شود ای گل حدیقه خلقت
بیا که مرغ دل داغدار و غرقه به خونم
بیا که با تو دهم شرح بینوایی خود را
مرا بلطف ببخشا که بر نمی آید
تو آفتاب سپهر بلند عالم قدسی
فرا تر است مقام تو از مقام ملانک
نموده رشد به دامن تو نوابغ دوران
دم تو چون دمی عیسی بود روان پرور
به میزبانی ات ایزد گشوده باب کرامت
طواف کعبه برد ره بیمارگاه اجابت
خدا به عصمت و پاکیزگی داد گواهی
ترا چگونه ستایم ؛ ترا چگونه ؟ که مضمّر
به دستگیری کونینم احتیاج نباشد
مکارم تو نگنجد به صد صحیفه معنی

که نیست مهر کسی در دلم سوای تو مادر
سرود هستی ام آهنگ لای لای تو مادر
هزار بار شود جان من فدای تو مادر
هزار گنج پیشیزی است در بهای تو مادر
مشام جان من از عطر جانفزای تو مادر
نمی طپد به هوای بجز هوای تو مادر
بیا بیا که شد از دست بینوای تو مادر
زبان الکنم از عهده ثنای تو مادر
فروغ عالم قدس است از ضیای تو مادر
مجال نیست کسی را شدن بجای تو مادر
مس وجود شود زر زکیمیای تو مادر
روان مرده شود زنده از ندای تو مادر
فکنده مایده از آسمان برای تو مادر
بشرط هروله در مروه وصفای تو مادر
به آیه آیه نور تو و نسای تو مادر
بود رضای خداوند در رضای تو مادر
بسه عرصه که عنایت کند دعای تو مادر
بغیر مصحف لاهوتی ولای تو مادر

(سزد اگر چو غباری فتد بپای تو) پیمان

که گفته اند بهشت است زیر پای تو مادر